

مهمترین عامل ایجاد ناهنجاریهای خانوادگی در جامعه



مصاحبه با دکتر غلامعلی افروز

(روان شناس و استاد دانشگاه تهران)

قسمت پنجم

مهمترین عامل ایجاد ناهنجاریهای خانوادگی در جامعه چیست؟

باغبانی که گلهای و شکوفه‌ها را تربیت می‌کند و رشد می‌دهد. گلهای و شکوفه‌های خانواده هم فقط در سایه آرامش شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند و متحول می‌شوند. تحول گلهای زندگی فقط در سایه آرامش است. پس اگر خانواده‌ای دچار ناامنی بشود و رگه‌های اضطراب و ناامنی به این خانواده رخنه کند، زمینه‌های آسیب‌پذیری و ناهنجاری خانواده به تدریج شروع می‌شود. حالا سؤال این است که این رگه‌ها و زمینه‌های اضطراب و ناامنی از کجا آغاز می‌شود؟ ما باید مواظب باشیم که چگونه می‌توانیم این سنگر امن را حفظ کنیم، وقتی که بچه ما مدرسه‌اش تعطیل می‌شود، باید فکر و ذکرش این باشد که می‌خواهم

بالبطبع این اضطراب و ناامنی و ناروانی، خانواده را متزلزل می‌کند. بنابراین، چون هدف غایی ازدواج و تشکیل خانواده رسیدن به آرامش است و خانواده سنگر آرامش است و به فرموده قرآن - تعبیر زیبای قرآن را که خانواده مثل باغ است و گلستان، گلهای و شکوفه‌ها در سایه آرامش رشد می‌کنند و شکوفا می‌شوند - «الرجال قوامون على النساء»، یک معنایش این است که شوهرها سنگربان خانمهایشان هستند. خانواده مثل باغ است، بچه‌ها گلهای و میوه‌های این باغ هستند و باغبان آن، پدر است. پدر، دژبان و سنگربان است؛ سنگربان عواطف، سنگربان احساسات، سنگربان امنیت و سنگربان همه نیکبها و خوبیها.

به نظر من مهمترین عاملی که در ایجاد ناهنجاریهای خانوادگی در هر جامعه‌ای مؤثر است، اضطرابی است که بر خانواده حاکم می‌شود؛ به زبان ساده‌تر، اضطراب و احساس ناامنی، اصلی‌ترین عامل ایجاد ناهنجاری در خانواده است. به‌طور طبیعی هم توجه این مسئله روشن است، زیرا هدف غایی در ازدواج و تشکیل خانواده رسیدن به آرامش است و خانواده باید سنگر و منبع آرامش باشد، مثل اقیانوسی باشد که وجود انسان را تلطیف می‌کند، تغسیل می‌دهد و آرامش می‌بخشد. اگر خانواده محل امن و آرامش و آرامشگری نباشد، یعنی رگه‌هایی از اضطراب و افسردگی و پریشانی به این خانواده رخنه کرده باشد

تلویزیون است، برنامه‌های ماهواره‌ای هم بخشی از همین امور است. وقتی که پدر کم‌حوصله می‌شود و یا مادر و یا یکی از بچه‌ها احساس کم‌حوصله‌گی می‌کنند و در خانه با پدر صحبت نمی‌کنند و یا با مادر ارتباطی ندارند تا احساس امنیت کنند، ناخواسته به پای اینترنت می‌نشینند و مشغول تماشا می‌شود.

در حال حاضر کامپیوتر و اینترنت بیش از هر وقت در آمریکا قربانی معتاد داده است. قربانیان اینترنت در دنیا الان بیشتر از هر وقت شده است و مطابق آماري که در اینترنت داده بودند، متخصصان درمان و درمانگری اعتیاد به اینترنت در آمریکا مخصوصاً در لوس آنجلس، بیش از متخصصان درمان اعتیاد به هرئوئین شده است. نمونه‌اش هم در صفحه زرد یا «yellow page» است که وقتی

می‌گویند: چون امروز صبح که پدرم به اداره می‌رفت، با مادرم دعوا کرد و به او گفت: برمی‌گردم و تکلیف را مشخص می‌کنم، و من می‌ترسم مادرم خانه نباشد، می‌ترسم مادرم گریه کند، می‌ترسم پدرم، مادرم را ببرد محضر و طلاق دهد. این احساس ناامنی تمام وجود بچه‌ها را دربر گرفته و کم‌کم رگه‌های ناهنجاری از اینجا و این‌گونه آغاز می‌شود.

این قسمت از کلام را خلاصه می‌کنم که بنابراین، حفظ آرامش برای خانواده لازم است و هرگونه ناامنی و اضطراب، ناهنجاریها را در خانواده ایجاد می‌کند و در واقع، ناامنی ایجاد می‌کند و ریشه آن هم در نوع رابطه پدر و مادر است. نوع رابطه زن و شوهر ریشه اصلی ناهنجاریهای خانواده است، وقتی که زن یا شوهر تنوع طلبی زیاد دارند، فزون طلبی زیاد دارند، دافعه‌های زبانی، دافعه‌های فکری، دافعه‌های کلامی آنها زیاد باشد، و وجود هر دوی آنها ناامن شود و به جای اینکه به دیگران آرامش بدهند، وجود دیگران را ناامن بکنند، این ناهنجاریها شروع می‌شود. بنابراین، بچه‌ها تمایل کمتری پیدا می‌کنند تا به خانه بروند، احساس خانه‌گریزی بیشتری در بچه ایجاد می‌شود، احساس خانه‌گریزی در همسرها و پدر و مادر بیشتر می‌شود و اضطراب شروع می‌شود. آن وقت چون پدر و مادر و فرزندان با یکدیگر احساس آرامش نمی‌کنند و با هم در خانه هستند، عوامل دیگری مداخله می‌کنند؛ مثلاً: تلویزیون، این مثلث مقدس که پدر و مادرها و فرزندان باید آن را تشکیل بدهند و با هم اتحاد و ارتباط کلامی داشته باشند، روزبه‌روز این ارتباط کلامی به حداقل می‌رسد و بعد به صورت انفعالی در مقابل تلویزیون می‌نشینند و اوقات خودشان را بیشتر با تلویزیون سپری می‌کنند و ناخواسته متوجه می‌شوند که به این کار عادت کرده‌اند. در خانواده‌های غربی درصد زیادی از خانواده‌ها ناخواسته معتاد به تلویزیون شده‌اند، و بدو هم بخشی از

مهمترین عاملی که در ایجاد ناهنجاریهای خانوادگی در هر جامعه‌ای مؤثر است، اضطرابی است که بر خانواده حاکم می‌شود؛ به زبان ساده‌تر، اضطراب و احساس ناامنی، اصلی‌ترین عامل ایجاد ناهنجاری در خانواده است

به خانه بروم. فکر و ذکر او خانه خاله و خانه دوست و صف سینما و پارک و جاهای دیگر نباشد. پس از تعطیل مدرسه اولین جایی که بچه‌ها فکر می‌کنند، باید بازگشت به خانه باشد، اولین جایی که مرد پس از اداره یا شرکت احساس می‌کند که باید به آنجا برود، خانه است، هیچ کار مهمی ندارد ولی کار مهمش رسیدن به آرامش است. زن نیز در هیچ جا دوام نمی‌آورد، نه خانه مادر و نه خانه پدر؛ یعنی فقط در خانه خودش احساس آرامش می‌کند. پس همه، فرزند، پدر و مادر سعی کنند این مثلث مقدس را تشکیل دهند.

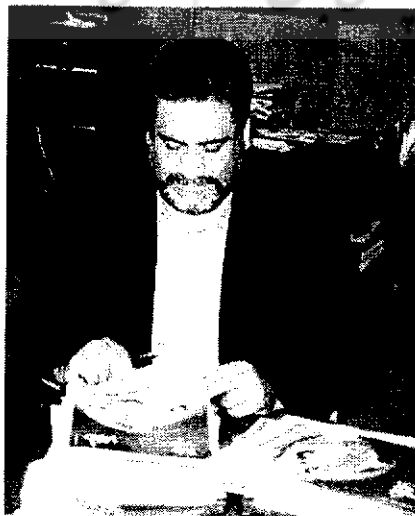
همه در این خانه جمع شوند و همه در این خانه احساس آرامش کنند. فرضاً دیده می‌شود که وقتی زنگ تعطیل مدرسه به صدا درمی‌آید، بچه به زحمت کتابهایش را جمع می‌کند، حال ندارد، برایش مهم نیست که زنگ آخر خورده است و باید به منزل برود. وقتی با بعضی از این بچه‌ها مصاحبه می‌کنیم و می‌پرسیم که چرا شما با شوق و انگیزه به منزل نمی‌روید،

اگر خانواده محل امن و آرامش و آرامشگری نباشد، یعنی رگه‌هایی از اضطراب و افسردگی و پریشانی به این خانواده رخنه کرده باشد با لطمه این اضطراب و ناامنی و ناروانی، خانواده را متزلزل می‌کند

اطلاعات عمومی آنها را باز می‌کنیم و کتاب راهنما را می‌بینیم، بسیاری روانشناسان جدید تابلوهایشان و کارت ویزیت خود را با این عنوان نوشته‌اند: متخصص در درمان اعتیادهای اینترنت. اینترنت روز به روز قربانی می‌گیرد. افراد بزرگسال اگر در بیست و چهار ساعت، بیش از صد تا صد و بیست دقیقه پای مجموعه‌ای از این دستگاه صوتی و تصویری بنشینند، نشانه‌ای از رگه‌های اعتیاد مشهود است و پریشانی روانی دارند. این نشانه ناهنجاری است، یعنی پدر و مادر کلام ندارند، با هم ارتباط ندارند لذا وسیله سومی اینها را به خودش جلب کرده است. اینترنت و ماهواره و ویدئو قربانی می‌گیرد. خیلی از جوانها در خانواده‌هایی که ناهنجاری پیدا کرده‌اند، شب تا صبح می‌نشینند ویدئو نگاه می‌کنند و یا پای بعضی از برنامه‌های اینترنت می‌نشینند، بعضی از برنامه‌های تلویزیونی که از طریق ماهواره در ایران هم قابل مشاهده است به وسیله ماهواره‌های جدید دیجیتالی است که در حدود چهارصد کانال را می‌توانند با آن مشاهده کنند، و تعدادی از این کانالها بیست و چهار ساعت برنامه و فیلمهای مستهجن نشان می‌دهند. پدر و مادرها خوابند و بچه‌ها تا صبح فیلم نگاه می‌کنند. بچه از شب تا صبح می‌نشینند ویدئو نگاه می‌کند، پدر و مادر فکر می‌کنند بچه افسرده است ولی نمی‌دانند که معتاد به ویدئو یا ماهواره شده است، صبح که بچه به مدرسه نمی‌رود او را می‌آورند پیش ما و می‌گویند افسرده است، ولی افسردگی کاذب است او دیگر رمق ندارد؛ زیرا از ساعت یازده شب تا پنج صبح پای این فیلمها بوده است. گاهی هم خود اینترنت از این نوع فیلمها پخش می‌کند. الان اینترنت خیلی ارزان است، یعنی تلفن اینترنت از تلفن داخلی ارزانتر است. من صدها نفر مراجعه دارم که تا صبح پای اینترنت هستند - حدود نود درصد از پایگاههای اینترنت پایگاههای علمی، اطلاعاتی و

خانواده مثل باغ است، بچه‌ها گلها و میوه‌های این باغ هستند و باغبان آن، پدر است. پدر، دژبان و سنگربان است؛ سنگربان عواطف، سنگربان احساسات، سنگربان امنیت و سنگربان همه نیکیها و خوبیها

اجتماعی است که پایگاههای بدی نیستند و تنها ده درصد از مجموع برنامه‌های اینترنت مضر است، نود درصد آن خوب است، ولی ده درصد آن پایگاههایی هستند که برنامه‌های مستهجن دارند - در خود اینترنت تحقیق شده که نود درصد مردم، از این ده درصد استفاده می‌کنند حتی در ایران و اروپا؛ و این نشان می‌دهد که اینها چقدر جاذبه دارند، جاذبه‌های جنسی و نفسانی زیادی دارند به همین جهت، من به خانواده‌ها توصیه می‌کنم برای اینکه پدر و مادرها دچار ناهنجاری نشوند، دستگاههای صوتی و تصویری را در اتاق خصوصی نگذارند بلکه در اتاق نشیمن یا اتاق عمومی بگذارند. این یکی از مؤثرترین روشهای پیشگیری از اعتیاد به این دستگاههاست، و برای آن ساعت تعیین کنند؛ یعنی وقتی که شب می‌خواهند بخوابند همه با هم بخوابند و کسی بیدار نماند و پای این دستگاهها ننشینند. انسان فزون خواه و سیری ناپذیر است، به فرموده قرآن: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعٌ»، «هَلُوعٌ» یعنی فزون طلبی، انسان با عجله فزون طلبی کند، طبیعت هر انسان رشد نیافته "هَلُوعٌ" است. "هَلُوعٌ"، شدت حرص است، حرصی که با عجله باشد، و با حرص و عجله می‌خواهد ببیند و ببیند. این طلب، سیری ناپذیر، است آنقدر می‌بیند که از نظر جنسی ارضا شود بعد دیگر بتدریج از زندگی عادی می‌افتد، دیگر نمی‌تواند درس بخواند یا به دانشگاه برود، دیگر نمی‌تواند به سرکار برود و از این قبیل مشکلات که روز به روز هم زیاد می‌شود؛ برای اینکه بهداشت روانی مردم ضعیف است، مردم به رژیمهای غذایی زیاد اهمیت می‌دهند، خیلی از روزنامه‌ها نوشته است رژیم غذایی لاغری و چاقی، اما رژیم روانی و فکری نداریم، فکر ما یک رژیم می‌خواهد، قوه ادراک ما هم رژیم می‌خواهد، سلامت روانی ما رژیم می‌خواهد و خانواده‌ها به این مسئله کمتر اهمیت می‌دهند. بعضی خانواده‌های متوسط



خانواده‌ها، خانواده گسسته‌اند. این هم یک ناهنجاری است و ریشه‌اش اضطراب است. بعضی از جوانها اگر بتوانند اصلاً به خانه نمی‌آیند و بعضاً منجر به این می‌شود که پسر یا دختر که خیلی هم حساس هستند با یک بیگانه یا با دوستش از خانه فرار کنند و نهایتاً خانه گریز می‌شوند. وقتی درباره این دختران فراری ریشه‌یابی می‌کنیم، می‌بینیم به شهرستانهای مختلف رفته‌اند، به‌خانه پسرهای بیگانه یا به جاهای دیگر می‌رفته‌اند، اینها دچار آسیب شده‌اند. این دخترها با انگیزه جنسی خانه را رها نکرده‌اند، البته نمی‌خواهم اینها را تیره‌کنم. فرار دختر از خانه، خانواده را فوق‌العاده ناهنجار می‌کند و یکی از شاخصهای ناهنجاری شدید خانواده‌هاست و در خانواده بحران ایجاد می‌کند. من با دهها نفر از این دخترها مصاحبه کرده‌ام، واقعیت این است که علت اصلی اینها به خاطر گرایشهای جنسی نیست بلکه به خاطر برخوردهای نامناسبی بوده که پدر و مادر بین خودشان یا با آنها داشته‌اند، خود دختر هم مقصر است اما برخوردهای نامناسب پدر و مادر باعث فرار دخترها می‌شود؛ این یک خیلی نکته حساسی است، تحلیل کالبد شکافی روانی این قضیه خیلی مهم است. وقتی که دختر - به هر دلیل - از خانه فرار می‌کند، این خانواده دچار بحران و آسیب‌پذیری می‌شود، خانواده ناهنجار است و متزلزل شده، همه پریشان و ناراحتند. دختر با پسری از خانه فرار کرده است یا تنها و یا با دوست دختر خود فرار کرده‌اند و در جایی زندگی می‌کنند یا به خانه کسی رفته‌اند. لزوماً هر دختری که از خانه فرار کرده انحراف جنسی ندارد و دختر فاسد و بی‌کاره‌ای نیست، یک جوانی است که تحت شرایطی از خانه فرار کرده است و به صرف انگیزه جنسی هم فرار نکرده؛ یعنی به‌عنوان خودفروشی هم فرار نکرده و خودش را هم ارزان در اختیار دیگران قرار نمی‌دهد، ممکن است درصدی از این



اولین جایی که مرد

پس از اداره یا شرکت

احساس می‌کند که

باید به آنجا برود، خانه

است، هیچ کار مهمی

ندارد ولی کار مهمش

رسیدن به آرامش

است.

باسواد یا خانواده‌هایی که وضع مالیشان خوب است اما سوادشان متوسط است - سوادشان با درک و بینش اجتماعی‌اشان آنقدر قوت و وسعت ندارد که پول آنها قوی شده - از اینکه بچه آنها کامپیوتر دارد، ذوق می‌کنند و می‌گویند حداقل سرگرم است و بیرون نمی‌رود ولی نمی‌دانند که مشکل در همین جاست. بنابراین، تعدادی این گونه آسیب‌پذیر می‌شوند، هر بچه‌ای که اضطراب بیشتری دارد بیشتر تلویزیون نگاه می‌کند، هر پدر و مادری که اضطراب بیشتر دارند بیشتر تلویزیون نگاه می‌کنند، این قانون حاکم بر شرایط اجتماعی دنیاست و هرکس که اضطرابش زیاد است اعتیاد پیدا می‌کند؛ یعنی وضع بدتر می‌شود، اعتیاد شکل‌های مختلفی دارد، از همه آنها خطرناکتر اعتیاد روانی است. بعضی از خانواده‌ها که امکاناتشان کمتر است، نوع آسیب‌پذیری آنها بیشتر می‌شود و درگیریهای لفظی و بدو بیراه گفتن جلوی بچه‌ها اصولاً خانواده را متزلزل می‌کند، اگر در خانواده ارتباط کلامی صحیح و سالم نباشد آن خانواده پریشان است؛ زیرا نمی‌دانند چکار کنند، آقا و خانم تنوع‌طلبی یا مشکلاتی از این قبیل دارند، در بعضی از این خانه‌ها، بچه‌ها متأسفانه بیشترین اوقاتشان را بیرون از خانه صرف می‌کنند؛ این ناهنجاریهای خانواده است که خانواده سالم نیست، خانواده گویا نیست چون همه بچه‌ها بیشترین وقتشان را در خانه نمی‌گذرانند، نشانه خانواده سالم، دور هم بودن است مثلاً؛ سعی می‌کنند شام را به موقع همه با هم باشند یا سه چهار ساعت با هم در تعامل کلامی باشند.

اما وقتی جوان، ساعت یازده یا دوازده شب به منزل می‌آید و آن هم فقط برای امور زیستیش، یعنی به خانه می‌آید تا به دستشویی یا حمام برود و یا لباس عوض کند و بخوابد درحقیقت، میزان ارتباط کلامی این جوان با پدر و مادر خود نزدیک به صفر است لذا این

و خانه‌گریزی آنها این است که مادر در خانه اقتدار عاطفی و منطقی ندارد و یا خیلی انفعالی است؛ یعنی توسری خور است، گریه می‌کند، التماس می‌کند و بدتر از کلفت است یا مادر پرخاشگر است، منطقی نیست و همیشه پرخاش می‌کند، داد می‌زند، خودسوزی می‌کند، فرار می‌کند. در این خانواده، مادر یا آرامش ندارد و پرخاشگری می‌کند و رفتار نابهنجار دارد و یا شدیداً انفعالی است و تعادل ندارد. تعادل زمانی وجود دارد که انسان صفت شخصیتش آمیزه‌ای از محبت، عطفوت، مهربانی، منطق، صلابت و استواری شخصیت باشد، وقتی این آمیزه در فرد (مادر) وجود ندارد، باعث آن‌گونه نابهنجاریها در دختر می‌شود؛ زیرا مادر در خانه اقتدار نداشته است و پدر برای او اختیار ایجاد نکرده. اگر برای تربیت ده سهم قایل شویم نه سهم آن مال مادر است و آن یک سهم پدر هم به مادر می‌رسد. پدر در تربیت بچه بخصوص در مراحل اول بارداری که مرحله خیلی حساسی است و همچنین در شش هفت سال قبل از دبستان، نقش چندانی ندارد. اگر مادری باردار شود و پدر بلافاصله شهید شود، اگر این مادر باردار که همسرش شهید شده است، شخصیتش آمیزه‌ای از مهربانی، عطفوت، محبت، صلابت، استواری و منطق باشد، سالمترین بچه را تربیت می‌کند. ما در دنیا داریم بعضی از مادرها را که بچه یتیم داشته‌اند ولی سالمترین و کاملترین فرزند را تربیت کرده‌اند مانند پیامبر اسلام (ص) که یتیم بودند. پس بچه یتیم هم می‌تواند کاملترین بچه باشد، اما بچه نباید دچار بدسرپرستی شود، بی‌سرپرستی مهم نیست؛ زیرا بالاخره یک نفر او را سرپرستی می‌کند اما بدسرپرستی بد است، بچه‌های بزهکار آنهایی هستند که دچار بدسرپرستی بودند، نه بی‌سرپرستی. ما این همه شهید داریم اما بچه‌هایشان غالباً در مقایسه با کلیه جامعه سالمترین بچه‌ها هستند.



مفط آرامش برای

خانواده لازم است و

هرگونه ناامنی و

اضطراب، ناهنجاریها

را در خانواده ایجاد

می‌کند و در واقع،

ناامنی ایجاد می‌کند و

ریشه آن هم در نوع

رابطه پدر و مادر است

دخترها با این دلیل فرار کنند اما همه فرار اینجوری نیستند، اکثر دخترهایی که فرار می‌کنند با انگیزه‌های جنسی نیست و در بستر فساد فرار نمی‌کنند؛ فشارهای روانی و اجتماعی فوق‌العاده سنگینی بر آنها تحمیل می‌شود و تصمیم می‌گیرند فرار کنند و این طور هم نیست که یک شبه تصمیم گرفته باشند بلکه دهها بار درباره آن فکر می‌کنند، بعضی از آنها هم خودکشی می‌کنند، آمار خودآزاری و خودکشی هم در دخترها کم نیست. متأسفانه بعضی اقدام به خودکشی می‌کنند، بعضی‌ها می‌میرند و بعضی‌ها هم نمی‌میرند. من با دهها نفر از کسانی که اقدام به خودکشی کرده‌اند مشاوره کرده‌ام، بعضی‌ها که با یک من دیگری رشد کرده‌اند، اقدام به خودکشی نمی‌کنند اما اقدام به تغییر محل می‌کنند؛ یعنی درواقع اینها هم به خانواده لطمه می‌زنند، هم کسی که خودکشی کرده و هم کسی که فرار کرده، وقتی با آنها مصاحبه کردم پس از تحلیل به این نتیجه رسیدم که - درست هم هست با یافته‌هایی که در اروپا و آمریکا همخوانی دارد - دختر دیده که رکن اصلی خانواده که پدر و مادر هستند با هم مشکل دارند، او می‌بیند که یک آرامش و آرامشگری بین پدر و مادرش حاکم نیست، پدر یا مادر عصبی و بداخلاق، دیکتاتورمنش - یا هر دو یا یکی از آنها - دارای کمال جویی و خودخواهی کامل دارند و مدام با هم درگیر هستند؛ یعنی دافعه‌های زیادی دارند و زبان جاذبه، زبان محبت، زبان تکریم، زبان دوستی در این خانواده وجود ندارد و مادر در این خانواده قیمتی ندارد، در این خانواده مادر اقتدار عاطفی و منطقی ندارد، (مادری که طبق منطق اسلام، بهشت زیر پای اوست، پیامبر خدا (ص) فرموده‌اند: «الجنة تحت اقدام اّمهات»، مادرها ترسیم‌گر بهشت هستند، بهشتی بودن بچه‌ها را مادر باح‌منش و رفتار خود باید ترسیم کند) یکی از شاخصهای ناهنجاری خانواده و بسترهای درواقع خودکشی دخترها